

Examination of the Aspects of the Right to Food and Food Security in International Documents

Changiz Esfandyai¹, Bagar Mirabasi²

Abstract

The right to food and freedom from hunger is a part of fundamental human rights and it shall not be suspended under no circumstances even in the hostilities. Since any infringement of the right to food can lead to death from starvation. Different approaches to solve the problem of malnutrition in times of war and peace, including the right to food and food security have been taken. At the moment, the approach of the right to food in international human rights is one of the right tools to solve the problem of hunger and malnutrition in various situations in the world. There are several obligations on states, based on humans' dignity, that require them to provide food and a mechanism for dealing with the violation of the right to food and compensation for those whose rights have been violated. Also, according to international humanitarian law documents, the use of hunger, destroying the property of the civilians and the denial of humanitarian assistance, particularly in international armed conflicts have been considered as war crimes, genocide and crimes against humanity. The right to petition in case of violation of the right to food has been also recognized through various international institutions such as the International Criminal Court and the Security Council. Examining the history of, and the rationale behind the right to food, this Article argues that the approach to food security due to its opaque and unclear obligations of Member States and the lack of mechanisms for addressing violations of this approach cannot be used as a means for solving the problem of malnutrition, and it should be used as a supplementary tool for achieving the right to food gradually.

Keywords

Access to Food, Food Security, Malnutrition, Right to Food

Please cite this article as: Esfandyai C, Mirabasi B. Examination of the Aspects of the Right to Food and Food Security in International Documents. *Iran J Med Law* 2016; 9(35): 157-184.

1. PhD, Department of Law, Science and Research Branch of Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email: Changiz.esfandyari@Gmail.com

2. PhD, Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی

چنگیز اسفندیاری^۱، سیدباقر میرعباسی^۲

چکیده

امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی جزء حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هیچ شرایطی حتی در مخاصمات نیز قابل تعلیق نیست، زیرا هرگونه تعدی به حق غذا می‌تواند منجر به مرگ ناشی از گرسنگی شود. بنابراین جهت حل این مشکل (سوء تغذیه) در زمان مخاصمه و صلح رویکردهای مختلفی از قبیل حق بر غذا و امنیت غذایی اتخاذ گردیده است. در حال حاضر، بر مبنای کرامت انسانی حق بر غذا در اسناد حقوق بین‌الملل بشر تعهدات متعددی را به کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل می‌نماید که مکانیزم‌های مختلفی جهت رسیدگی به نقض آن و جبران خسارت برای افراد متأثر از آن پیش‌بینی شده است. این رویکرد در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا آن حد پیش رفته که استفاده از ابزار گرسنگی، نابود یا غیر قابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیر نظامی، ممانعت از دریافت کمک‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به ویژه مخاصمات بین‌المللی را به منزله جنایات جنگی، ژنوساید و جنایات علیه بشریت قلمداد گردیده است. همچنین، حق دادخواهی در مورد نقض حق غذا از طریق نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و... به رسمیت شناخته شده است. این مقاله با بررسی دقیق مبانی حق بر غذا در اسناد بین‌المللی، چنین استدلال می‌کند که رویکرد امنیت غذایی به دلیل غیر شفاف بودن و همچنین مشخص نبودن تعهدات کشورهای عضو و نداشتن مکانیزم‌های لازم جهت رسیدگی به نقض آن نمی‌تواند به عنوان یک وسیله مناسب جهت حل معضل سوء تغذیه به کار رود و بیشتر به عنوان یک ابزار تکمیلی جهت تحقق تدریجی حق بر غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

امنیت غذایی، حق بر غذا، دسترسی به غذا، سوء تغذیه

۱. دکتری حقوق بین‌الملل و عضو هیأت‌علمی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.
 (نویسنده مسؤول)
 Email: Changiz.esfandiyari@gmail.com

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

امنیت غذایی و حق دسترسی به غذای کافی و سالم و رهایی از گرسنگی و سوء تغذیه از محورهای اصلی توسعه، سلامت جامعه و زیرساخت‌های نسل آینده کشور است. از طرفی ناامنی غذایی و تبعات جهانی آن موضوعی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم دامن‌گیر تمامی کشورهای جهان بوده و پیامدهای جسمی، ذهنی، روانی، اقتصادی و اجتماعی این مشکل عظیم گریبان‌گیر صدها میلیون انسان است. ناامنی غذایی و سوء تغذیه، توانایی افراد برای توسعه مهارت‌ها را تضعیف نموده و بهره‌وری آن‌ها را کاهش می‌دهد و در طولان مدت به تدریج از توانایی‌های خود محروم شده و نمی‌توانند نقشی را در آموزش، تولید و اقتصاد داشته باشند، لذا دسترسی به غذای کافی و مغذی از مهم‌ترین اولویت‌هایی است که از سوی جامعه بین‌المللی پیگیری می‌شود و تمامی سیاست‌های کلان دولت‌ها در چارچوب امنیت غذایی می‌باشد (۱).

در حال حاضر نزدیک به ۷۹۵ میلیون نفر از سوء تغذیه و هر هفت ثانیه، یک کودک بر اثر گرسنگی و یا بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه در جهان می‌میرد (۲). دو میلیارد نفر نیز از کمبود ریزمغذی در جهان رنج می‌برند (۳). این فاجعه بشری را به درستی هلوکاست بی‌صدا خوانده‌اند (۴)، لذا برای حل این معضل رویکردهای مختلفی از قبیل حق بر غذا (Right to Food)، امنیت غذایی (Food Security) و... از سوی سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی اتخاذ گردیده است که ضرورت دارد این مفاهیم در اسناد متعدد سازمان ملل متحد از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شود کدام یک از این دو رویکرد جایگاه حقوقی محکم‌تری داشته و می‌تواند نقش مؤثری در جهت حل مشکل سوء تغذیه ایفاء نماید.

رویکرد حق بر غذا در اسناد حقوق بین‌الملل بشری سازمان ملل متحد

حق بهره‌مندی از امکانات کافی معیشتی از جمله حقوق محوری در مجموعه حقوق رفاهی (حق بر غذا، حق بر سلامت و...) است (۵). حق بر غذا برای اولین بار در مقیاس جهانی در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شد مبنی بر این‌که «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین غذا، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری است» (۶). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی در

مواد ۱ و ۶ این حق را مورد شناسایی قرار داده و در ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل غذای کافی، پوشاک، مسکن و همچنین بهبود شرایط زندگی به رسمیت شناخته‌اند (۴). کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق بنیادین هر کس به رهایی از گرسنگی از طریق همکاری بین‌المللی، تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخص ذیل را اتخاذ خواهند کرد: الف - بهبود روش‌های تولید، نگهداری و توزیع غذا؛ ب - تأمین و توزیع منصفانه ذخایر (منابع) غذایی جهان (۶).

کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میثاق که مسؤول اصلی نظارت بر اجرایی شدن تعهدات بین‌المللی این میثاق است، یک سری تفسیر کلی جهت روشن شدن تعهدات دولت‌ها بر اساس میثاق به تصویب نموده است (۷). این کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۲ در مورد حق بر تغذیه و غذای مناسب چنین بیان داشت: «حق بر غذای مناسب زمانی محقق می‌شود که هر مرد، زن و کودکی به تنهایی یا در جامعه در همه زمان‌ها از نظر فیزیکی و اقتصادی به تغذیه مناسب یا وسایل تأمین آن دسترسی داشته باشند (۸). گزارشگر ویژه حق بر غذای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر این موضوع تأکید دارد که حق بر غذا به معنی دسترسی مستمر و پایدار هر فرد به غذای کافی (از لحاظ کمی و کیفی) مطابق با شرایط فرهنگی جامعه است، به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی تضمین کند و تأمین آن به میزان کافی، مناسب و بدون مشکل باشد» (۹).

بر اساس دستورالعمل اختیاری شورای فائو مؤلفه‌های حق بر غذا شامل: الف - فراهم بودن یا تأمین غذای کافی (Availability)؛ ب - ثبات غذا (Stability)؛ ج - قابل دسترسی از نظر اقتصادی و فیزیکی (Access to food)؛ د - مفید و سالم بودن (Food Utilization)؛ می‌باشد (۱۰). هدف این دستورالعمل نشان دادن راه‌های عملی به دولت‌ها جهت تحقق تدریجی حق بر غذا در چارچوب امنیت ملی غذایی می‌باشد. این دستورالعمل یک ابزار اختیاری جهت اجرای حق بر غذا در سطح ملی است و تعهدات جدیدی برای کشورها ایجاد نمی‌نماید (۱۱).

رویکرد حق دسترسی به غذا در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل بوده که بر مخاصمات مسلحانه و سایر وضعیت‌ها از جمله وضعیت اشغال حاکم است و رفتار متخاصمین در طول جنگ را تنظیم می‌نماید. منابع اصلی حقوق بشردوستانه عبارتند از: کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون‌ها. یکی از این دو پروتکل مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و دیگری در خصوص حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است (۱۲).

۱- حق بر غذا در مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

حق بر غذا در مواد مختلف کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بیان شده است از جمله این که در ماده ۳۲ کنوانسیون شماره ۱، اشخاص کشور بی‌طرف که به دست طرف متخاصم می‌افتند قابل بازداشت نبوده و در مدتی که این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند باید غذای آن‌ها از نظر کمی و کیفی و تنوع کافی باشد، به طوری که نیازهای تغذیه‌ای آن‌ها را برای یک زندگی سالم تأمین کند.

در مواد ۲۰ و ۲۳ کنوانسیون شماره ۳ بر تأمین غذای کافی و سالم و رژیم غذایی عادی تأکید شده است (۱۳). در کنوانسیون چهارم ژنو که به کنوانسیون حقوق اشغال معروف است، در ماده ۲۳ آن به تعهد دولت‌های عضو معاهده به آزادی عبور کلیه محموله‌های غذایی ضروری (نان، آرد، شکر، روغن و نمک) و مواد مغذی کودکان زیر ۱۵ سال و زنان باردار اشاره شده و بنا بر ماده ۵۵ آن دولت اشغالگر مکلف است در حد امکانات، نیازهای مردم تحت اشغال را از نظر مواد غذایی، پزشکی تأمین کند و در صورت کافی نبودن مواد غذایی آن را از خارج وارد نماید. در ماده ۵۹ کنوانسیون مذکور نیز به طرح‌ها و کمک‌های بشردوستانه و ارسال مواد غذایی و دارویی اشاره شده است (۱۴).

۲- حق بر غذا در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

این پروتکل که بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی حاکم است در بند ۱ ماده ۵۴، به ممنوع بودن گرسنه نگه‌داشتن غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی، اشاره می‌نماید و در حال حاضر به عنوان یک قاعده محکم و ریشه‌دار در قوانین و عرف بین‌المللی جای خود را باز کرده است (۱۵). منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان و ممنوعیت گرسنگی دادن هم در مواردی که قحطی و نبود غذا یا دسترسی به مواد غذایی منجر به سلب حیات افراد شود و هم در شرایطی که درد

و رنج و گرسنگی بر مردم تحمیل گردد مصداق خواهد یافت (۱۶). اقداماتی از قبیل حمله به اموال ضروری برای بقای جمعیت غیر نظامی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه و تحدید آزادی حرکت کارکنان نیروهای بشردوستانه از زیرمجموعه‌های قاعده منع گرسنگی دادن به غیر نظامیان در مخاصمه محسوب می‌شود. (۱۵).

همچنین استفاده عمدی از به قحطی‌کشاندن غیر نظامیان به عنوان روش جنگی از طریق محروم کردن آن‌ها از کالاهای اساسی و ضروری برای بقای ایشان بر اساس بند ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی تلقی می‌شود. مبنای این ممنوعیت کمک به غیر نظامیان برای ادامه حیات و مصون ماندن از آثار درگیری است. اگر آن‌ها از آب و غذا و بهداشت محروم شوند و حق دسترسی به خدمات عمومی نداشته باشند، چه بسا بسیار بیشتر از رزمندگان از جنگ متأثر شوند (۱۶). در بند ۲ ماده ۵۴ این پروتکل حمله، تخریب، انتقال یا غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است نظیر مواد غذایی، نواحی کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دامی، تأسیسات و ذخایر آب آشامیدنی، سیستم‌های آبرسانی با هر انگیزه‌ای خواه به جهت این‌که غیر نظامیان از گرسنگی از پا درآیند و خواه مجبور به انتقال به جای دیگر شوند، ممنوع است (۱۷). در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تحمیل عمدی گرسنگی بر غیر نظامیان از طریق محروم‌ساختن آنان از ملزومات بقا به عنوان یک روش جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی به شمار می‌رود (۱۸).

۳- حق بر غذا در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون چهارگانه ژنو

این پروتکل الحاقی که در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی کاربرد دارد، دارای چندین ماده در خصوص حق بر غذا است (۱۹) که از جمله می‌توان به ماده ۵ مبنی بر مهیانبودن غذا و آب آشامیدنی برای اشخاصی که به دلایل مربوط به جنگ مسلحانه از آزادی محروم هستند (۲۰)، ماده ۱۴ در خصوص ممنوعیت ایجاد قحطی در بین جمعیت غیر نظامی به عنوان یک روش جنگی و همچنین حمله کردن، تخریب، جابجا کردن یا انتقال بدون فایده اموال ضروری برای بقای جمعیت غیر نظامی مانند مواد غذایی، محصولات خام کشاورزی و دامی اشاره کرد. در ماده ۱۸ نیز آمده است اگر جمعیت غیر نظامی به دلیل نبود ملزومات و لوازم اصلی برای

بقای خود از قبیل مواد غذایی و امکانات پزشکی دچار مشکل شوند، عملیات امدادی و کمک‌های بشردوستانه انجام خواهد شد (۱۸).

ماده ۱۴ پروتکل مذکور نیز مانند ماده ۵۴ پروتکل اول گرسنه نگه‌داشتن غیر نظامیان را به عنوان روش جنگی ممنوع می‌کند. بنابراین بستن راه‌ها و ممانعت از رسیدن غذا به منظور ایجاد قحطی ممنوع است. در همین ماده حمله، انهدام، برداشتن یا از حیز استفاده انداختن اموال ضروری برای حیات سکنه غیر نظامی نیز منع شده است.

بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ضمن تکمیل مقررات ماده ۱۴، نحوه انجام امور امدادی را هم بیان می‌کند. طبق این بند «اگر سکنه غیر نظامی به سبب فقدان ملزومات ضروری برای زیست دچار مشقات زیاده از حد شود، عملیات کمک‌رسانی انجام خواهد شد. عملیات امدادرسانی باید منحصراً ویژگی بی‌طرفانه و انسان‌دوستانه داشته باشد. بنا به تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، جنبه انسان‌دوستانه فعالیت امدادرسانی هنگامی که هدف کمک به غیر نظامی‌ها باشد مفروض است و اگر هیچ تمایزی بر اساس معیارهای شخصی بین افراد کمک‌گیرنده در کار نیاید و عاری از هرگونه هدف سیاسی جانبدارانه باشد، فعالیت بی‌طرفانه است (۲۱).

قاعده لزوم تسریع در رسانیدن کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه داخلی در بند ۲ ماده ۱۸ با عبارتی ساده‌تر بیان و بیشتر بر روی لزوم سازماندهی کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان تأکید شده است. همچنین مطابق این بند اعلام رضایت طرف‌های دیگر جهت انجام عملیات کمک‌رسانی الزامی است. مخالفت با کمک‌رسانی بشردوستانه بر اساس قوانین داخلی بسیاری از کشورها جرم محسوب می‌شود. برخلاف پروتکل اول الحاقی در این پروتکل هیچ اشاره‌ای به دسترسی به کمک‌های بشردوستانه از طریق کشور ثالث نشده است و اعضای پروتکل مکلف به تسهیل کمک‌های بشردوستانه نیستند (۱۵). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (International Committee of the Red Cross) در تفسیری «امدادرسانی به غیر نظامیان را الزامی می‌داند و برای اثبات الزام‌آور بودن آن به این نکته اشاره می‌کند که در بند ۲ ماده ۱۸ فعل در زمان آینده به کار رفته است» (۲۱).

مفهوم امنیت غذایی در اسناد سازمان ملل متحد

بشر برای تأمین اساسی‌ترین نیاز خود یعنی غذا، به شیوه‌های گوناگون به دنبال دستیابی به آن است. در کنار پیشرفت‌های ناشی از تمدن‌های جدید، امور متعددی در زندگی امروز دنیا به کانون بحران تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها، امنیت غذایی می‌باشد. این بحران ناشی از اقدامات بشر از جمله جنگ‌های ویرانگر، تصمیم‌های اقتصادی سودجویانه و رشد بی‌رویه جمعیت ... می‌باشد که اساسی‌ترین حق میلیون‌ها انسان را مورد تهدید قرار داده است (۲۲). نامنی غذایی از جمله عواملی است که در بسیاری موارد می‌تواند با دامن‌زدن به بی‌ثباتی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شالوده‌های یک نظام سیاسی - اجتماعی را فرو ریزد (۲۳).

سرچشمه فکری امنیت غذایی به بحران غذا در جهان در اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد (۲۴). در آغاز این دهه، تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه کاهش یافت. روز به روز بی‌ثباتی و عدم تعادل بین جمعیت و غذا در جهان افزوده شد. به دلیل جلوگیری از عواقب وخیم این بحران کنفرانس جهانی غذا به ابتکار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۴ تشکیل که در آن به امنیت غذایی در سطح جهان و به تبع آن در سطح کشورها تأکید شد (۲۵). مفهوم امنیت غذایی در طول زمان تغییر کرده و در حدود ۲۰۰ تعریف و ۴۵۰ شاخص در طول زمان برای آن ارائه شده است (۲۶). بر اساس اسناد سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۷۰ امنیت غذایی شامل عرضه متمرکز کالاهای اساسی غذایی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات ناشی از نوسانات تولید و قیمت بود (۲۷). در این دهه امنیت غذایی از دو جزء تشکیل شده بود: الف - دسترسی به غذا در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ب - استحقاق غذا و توانایی افراد جهت به دست آوردن غذا؛ در این جزء مردم به دلیل عرضه ناکافی غذایی گرسنه نیستند، بلکه آن‌ها منابع کافی از جمله پول جهت تهیه غذا ندارند (۲۸). تجربیات جهانی در سال‌های بعد نشان داد که بهبود عرضه به تنهایی جوابگوی حل معضل سوء تغذیه نیست (۲۵). متعاقب آن بانک جهانی امنیت غذایی را یک مفهوم گسترده دانست که به وسیله تعامل دامنه‌ای از عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و فیزیکی تعیین می‌شود؛ بنابراین همچون مفاهیم بهداشت یا رفاه اجتماعی معیار واحدی برای ارزیابی آن وجود ندارد. با وجود این، می‌توان این پیچیدگی را با تمرکز روی سه مؤلفه مشخص امنیت غذایی، یعنی موجودی مواد غذایی، دسترسی به مواد غذایی و استفاده از مواد غذایی ساده‌تر کرد. بنابراین از منظر بانک جهانی امنیت غذایی

نه تنها مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان است، بلکه ناظر بر توزیع عادلانه غذا به منظور دستیابی همگان به آن نیز می‌باشد (۲۹).

امنیت غذایی به معنای دسترسی تمام مردم در تمام اوقات به غذای کافی (سیری سلول‌ها) به منظور زندگی سالم و فعال به صورت یک نظریه و روش مدرن برای اولین بار در کنفرانس بین‌المللی تغذیه مطرح شد و به عنوان یکی از استراتژی‌های مهم در برخورد با سوء تغذیه و گرسنگی و نیز فراهم نمودن امنیت غذایی خانوار مورد تأکید قرار گرفت (۳۰). در این کنفرانس، کشورها متعهد شدند به قحطی و گرسنگی ناشی از سوء تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن، کمبود ید و ویتامین (آ)، گرسنگی مزمن، کمبود ریزمغذی‌ها به ویژه آهن و تغذیه ناکافی زنان و کودکان و سالمندان پایان دهند (۳۱).

برنامه توسعه ملل متحد سازمان ملل نیز در یک رویکرد جدید از منظر امنیت انسانی به مقوله امنیت غذایی می‌پردازد و امنیت انسانی را به هفت مؤلفه: ۱- امنیت اقتصادی (رهایی از فقر)؛ ۲- امنیت غذایی (دسترسی به غذا)؛ ۳- امنیت بهداشتی؛ ۴- امنیت زیست‌محیطی؛ ۵- امنیت شخصی؛ ۶- امنیت اجتماعی؛ ۷- امنیت سیاسی طبقه‌بندی می‌نماید و از نظر این نهاد امنیت غذایی زمانی محقق می‌شود که نه تنها غذای کافی موجود باشد، بلکه مردم به آسانی به غذای کافی و سالم دسترسی داشته باشند، یعنی فراهم بودن غذا و قدرت خرید مردم شرط ضروری برای تحقق امنیت غذایی است. در این رویکرد مشکل اصلی عدم تحقق امنیت غذایی عدم توانایی و پایین بودن قدرت خرید مردم و سیستم ضعیف توزیع غذا است (۳۲). سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد رویکرد نوینی از امنیت غذایی اتخاذ کرد که در حال حاضر این رویکرد در مقیاس وسیعی در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (۲۶).

در چارچوب این نظریه امنیت غذایی زمانی محقق می‌شود که هر شخصی در سطح فردی، خانوار، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به غذای کافی و سالم و مغذی در تمام اوقات زندگی به منظور داشتن زندگی فعال مطابق با ترجیحات غذایی دسترسی داشته باشد (۳۳)، یعنی امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه مردم، در تمام زمان‌ها، دسترسی فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی به مواد غذایی کافی و سالم داشته باشند، به طوری که نیازهای غذایی و ترجیحات غذایی آنها برای یک زندگی سالم و فعال برآورده گردد و اجزای اصلی امنیت غذایی در این رویکرد شامل:

- ۱- فراهم بودن غذای کافی برای جمعیت موجود؛ ۲- ثبات غذا و فراهم بودن آن در هر زمانی در

بازار؛ ۳- قابل دسترس بودن از نظر اقتصادی؛ ۴- استفاده درست از غذا می‌باشد (۱۲). در این رویکرد استفاده از مواد غذایی که ناظر بر استفاده درست بیولوژیکی از آن‌ها می‌باشد به وضعیت تغذیه و بهداشت افراد برمی‌گردد (۲۴) و شاخص‌های استفاده از مواد غذایی شامل تولید غذا، صادرات و واردات، زمان برداشت، نرخ حاصل‌خیزی، تولید غذاهای عمده، انبار، نگهداری و فرآوری غذا، مصرف غذاهای بومی و... می‌باشد (۳۴).

دسترسی به مواد غذایی مستلزم آن است که کلیه خانوارها و اعضای آن منابع کافی و مناسب برای به دست آوردن یک غذای مغذی داشته باشند (۲۴). این دسترسی بایستی از دو بعد فیزیکی و اقتصادی تأمین شود (۲۳). دسترسی فیزیکی به مواد غذایی ارتباط نسبی مصرف‌کننده را با شبکه توزیع غذا نشان می‌دهد (۲۴) و به وسیله حوادث غیر مترقبه، چون جنگ، محدودیت‌ها یا تحریم‌های کالا تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

دستیابی اقتصادی نیز به وسیله عواملی چون فقر و قدرت خرید تحت تأثیر قرار می‌گیرد، یعنی دسترسی اقتصادی تابعی از درآمد، اشتغال و قیمت است (۱۰). شاخص‌های آن شامل قیمت غذا، نرخ دستمزد، مصرف سرانه غذا، تعداد وعده‌های غذایی، نرخ اشتغال و... می‌باشد. ثبات در غذا بر این جنبه تأکید دارد که فراهم‌بودن، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به غذا و مفیدبودن آن باید پایدار باشد و عواملی از قبیل بی‌ثباتی در قیمت غذاهای عمده در بازار، ناکافی‌بودن سیستم تأمین غذا، بلاپای طبیعی، تغییرات جوی، مخاصمات مسلحانه، بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و... بر این جنبه از امنیت غذایی تأثیر دارند (۳۴).

در این رویکرد ناامنی غذایی زمانی وجود دارد که افراد در نتیجه عدم دسترسی فیزیکی به غذا، عدم دسترسی اجتماعی و اقتصادی به غذای کافی و یا استفاده نامناسب از غذا دچار سوء تغذیه شده باشند (۳۵). امنیت غذایی معمولاً در سه سطح خانوار، ملی و بین‌المللی مطرح می‌شود. در سطح خانوار وضعیت امنیت غذایی یک خانوار به وسیله چهار عامل: ۱- فراهمی غذا، غذای موجود یا تولیدشده؛ ۲- دسترسی به غذا؛ ۳- پایداری در عرضه و قابلیت دسترسی؛ ۴- درجه ایمن، مغذی و مفیدبودن آن تعیین می‌شود (۳۶). بر اساس سند منتشرشده فائو شاخص‌های اندازه‌گیری امنیت غذایی عبارت است از: ۱- سرانه تولید ناخالص ملی؛ ۲- سرانه رشد تولید ناخالص ملی؛ ۳- مازاد خالص تجارت کشاورزی (۳۷).

مروری بر رویکردهای مذکور نشان می‌دهد که امنیت غذایی در یک مسیر تکاملی از خوداتکایی

و خودبسنایی به عرضه مواد غذایی و در نهایت دسترسی به غذا رسیده است. در ابتدای دهه ۷۰ مهم‌ترین هدف خودکفایی بود. در اواخر دهه ۷۰ عرضه غذا متناسب با نیازهای غذایی و در دهه ۸۰ علاوه بر خوداتکایی عرضه غذا و کفایت آن برای نیازهای تغذیه‌ای، مسأله دسترسی مطرح شد. در تعاریف اخیر علاوه بر عرضه و توزیع عادلانه به بُعد تقاضا که همه افراد دسترسی فیزیکی و توان مالی برای استفاده از غذا را داشته باشند و نیز به نیاز فیزیولوژیکی تأکید می‌گردد. ضمن این‌که بُعد تمرکز امنیت غذایی از سطوح جهانی و ملی به سطح خانوار و فرد تغییر جهت داده است (۳۸).

تعهدات ناشی از حق بر غذا در اسناد بین‌المللی

محتوی تعهدات مکانیزم‌های تضمینی حق بر غذا تابع محتوی و مکانیزم‌های تضمین حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. تعهدات دولت‌های عضو میثاق در بند ۱ ماده ۲ میثاق به شرح زیر آمده است: «هر دولت عضو میثاق حاضر متعهد می‌شود به منظور دستیابی به تحقق کامل تدریجی حقوق شناخته‌شده در میثاق با استفاده از حداکثر منابع در اختیار و به کارگیری کلیه طرق مناسب اقداماتی انفرادی و مشترک... معمول دارد» (۳۹).

در حقیقت تعهدات در میثاق به دو دسته فوری و تدریجی تقسیم می‌شوند (۴۰). تعهدات فوری شامل حذف تبعیض در دسترسی به غذا می‌شود که در تفسیر کلی شماره ۲۰ به صراحت به این مسأله اشاره شده است (۴۱). تعهدات تدریجی به وضوح در ماده ۲ میثاق آمده است و شامل تعهد به اتخاذ اقدامات لازم و عدم برخورد غیر فعال با حق غذا، تعهد به منع اقدامات پس رونده یا منفی و حمایت از حداقل تأمین نیاز اساسی به غذا می‌باشد (۴۲). در ارتباط با اهمیت این ماده کمیته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۳ خود در مورد ماهیت تعهدات دولت‌های عضو میثاق می‌گوید: «ماده ۲ برای درک کامل میثاق اهمیت اساسی دارد و باید بین آن و سایر مواد میثاق رابطه‌ای پویا برقرار کرد. این ماده ماهیت تعهدات قانونی دولت‌ها به موجب میثاق را شرح می‌دهد (۳۹). بند ۱ ماده ۲ میثاق را می‌توان رکن اصلی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توصیف کرد. این بند به وصف تعهدات دولت‌های عضو در

تحقق حقوق مندرج در میثاق می‌پردازد که فهم و شناخت آن اهمیتی حیاتی برای محتوی و نیز اجرای میثاق به مثابه یک کل دارد (۴۳).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر کلی شماره ۱۲ اعلام کرد با توجه به روح حاکم بر ماده ۵۶ منشور ملل متحد و مقررات خاص مواد ۲ و ۲۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «دولت‌های عضو می‌بایست نقش اساسی همکاری بین‌المللی را به رسمیت بشناسند و مطابق با تعهدات‌شان نسبت به اتخاذ اقدامات مشترک و مجزا برای دستیابی به تحقق کامل حق بر غذای مناسب عمل کنند (۸). آن‌ها باید در هر زمان از تحریم‌های غذایی یا اقدامات مشابه که شرایط تهیه غذا و دسترسی به غذاهای دیگر کشورها را به خطر می‌اندازد اجتناب کنند، غذا نباید به هیچ‌وجه به عنوان وسیله فشار اقتصادی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد (۴۲). کمیته اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دو روش خاص در ارتباط با ماهیت کلی تعهدات در چارچوب میثاق اتخاذ کرده است: الف - تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه؛ ب - شیوه متمرکز بر تعهدات در چارچوب تعهد به احترام، حمایت و ایفا (۴۳).

۱- تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه

برای درک ماهیت تعهدات دولت‌ها به موجب میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به مفاهیم «تعهد به نتیجه» و «تعهد به وسیله یا رفتار» که کمیسیون حقوق بین‌الملل در بررسی مواد ۲۰ و ۲۱ طرح مسؤولیت دولت عنوان نمود، متوسل شد. این دو مفهوم تداخل دارند؛ بدین معنا که وجود تعهد به نتیجه، لزوماً شامل «تعهد به وسیله» نیز می‌گردد. برای مثال در مورد حق غذا، تعهد به وسیله عبارت از تهیه راهبرد ملی امنیت غذایی می‌باشد و تعهد به نتیجه نیل به اهداف خاص آن راهبرد، مثلاً محو سوء تغذیه در ظرف پنج سال می‌باشد. بنابراین تعهد به احترام، حمایت و اجرای حقوق مورد بحث، هم تعهد به وسیله و هم تعهد به نتیجه را شامل می‌شود (۴۴).

منظور از تعهد به وسیله آن است که متعهد و مکلف در حد امکانات موجود و در حقیقت در حد توان، متعهد به تدارک حق ذی‌حق خواهد بود، اما در تعهد به نتیجه متعهد مکلف به تدارک حق ذی‌حق می‌باشد، این تکلیف و تعهد قطعی بوده و مقید به امکانات موجود نیست.

«تعهد به وسیله» عمدتاً در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (حق بر غذا، حق بر سلامت و...) مطرح می‌شود. طبعاً دولت‌ها برای تدارک چنین حقوقی بر اساس توانایی‌ها و امکانات

خود اقدام خواهند کرد. متعهد فرض کردن کشور به صورت مطلق (و نه مقید به امکانات موجود) در حوزه حقوق مدنی - سیاسی معقول و پذیرفتنی است، حال آنکه متعهد دانستن آن‌ها در حوزه حقوق اقتصادی و اجتماعی بدون توجه به امکانات آن‌ها امری است غیر عملی و حتی غیر معقول به نظر می‌رسد. به نظر می‌توان بین دو نوع تعهد این‌گونه تفکیک کرد: تعهد به انجام عملی در صورت داشتن توان (تعهد به وسیله) و تعهد به تدارک امکانات و اجرای تعهدات (تعهد به نتیجه). اولی تعهد به انجام عمل در صورت توان است و دومی تلاش برای توان یافتن جهت اجرای تعهدات بدون قید و شرط (۴۵). کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی در تفسیر شماره ۳ در این خصوص گفته است: در حالی که تحقق کامل حقوق ذی‌ربط ممکن است تدریجی حاصل شود، اقدامات در جهت رسیدن به این هدف باید ظرف مدت زمان معقولی پس از لازم‌الاجرا شدن میثاق برای دولت‌های ذی‌ربط اتخاذ شود. کمیته در تفسیر عمومی شماره ۳ خود نیز بیان کرده است: «کمیته بر این نظر است که تعهد اساسی مبنی بر تعهد به برآورده شدن دست کم، حداقلی از سطوح ضروری هر یک از حقوق، بر عهده هر دولت عضو قرار دارد. بنابراین دولت عضوی که در آن تعداد قابل توجهی از افراد از مواد غذایی ضروری، مراقبت سلامتی و بهداشت ضروری، مسکن و سرپناه اولیه یا از ابتدایی‌ترین شکل آموزش محروم هستند در بدو امر و علی‌الاصول از ایفای تعهدات خود از جمله تعهد به نتیجه به موجب میثاق قصور ورزیده‌اند» (۴۶).

در مجموع حق بر غذا دارای ۲ حق متمایز می‌باشد: الف - حق دسترسی همه مردم به غذای سالم مطابق با استاندارد از طریق خودکفایی در تولیدات داخلی که تعهدات این حق جزء تعهدات به وسیله است و مستلزم سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌باشد؛ ب - حق بنیادین رهایی از گرسنگی (۱۰). از آنجایی که حق رهایی از گرسنگی به معنی حق دسترسی به حداقل غذای اساسی جهت اطمینان هر کس برای رهایی از گرسنگی و مرگ می‌باشد (۴۷) و جزء حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هر شرایطی حتی در بلایای طبیعی، غیر قابل عدول است (۸)، لذا تعهدات دولت‌ها در این زمینه جزء تعهدات به نتیجه می‌باشد و دولت‌ها تعهد فوری جهت اطمینان از حق بنیادین رهایی از گرسنگی داشته و باید حداقل غذای مردم نیازمند را فراهم کنند.

۲- تعهد به احترام، حمایت و ایفا

دومین شیوه تحلیل که اعضای کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برگزیدند نگرستن به تعهدات به صورت سه وجهی است. مطابق این شیوه تمام حقوق بشری متضمن سه شکل از تعهد برای دولت‌ها است، یعنی تعهد به احترام (Duty to respect)، تعهد به حمایت (Duty to protect) و تعهد به ایفا (Duty to fulfil) (۴۳). تعهد به ایفا یا اجرا نیز متشکل از تعهد به تسهیل کردن (Duty to facilitate) و تعهد به فراهم یا تأمین کردن (Duty to provide) است (۴۸). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر شماره ۱۲ در بند ۱۵ نظر خویش را در این خصوص به شرح زیر اعلام کرده است: «تعهد به احترام جهت دسترسی به غذای کافی مستلزم آن است که دولت‌های عضو از هرگونه اقدامی که به جلوگیری از دسترسی بی‌انجامد، احتراز کنند، تعهد به حمایت مستلزم اتخاذ تدابیری است که تضمین می‌کند اشخاص و شرکت‌های دیگر افراد را از دسترسی به غذای کافی محروم نمی‌کنند.

تعهد به ایفا بدین معنی است که اولاً دولت عضو باید به طور خودجوش فعالانه در اقداماتی که هدف از آن‌ها تقویت دسترسی اشخاص و بهره‌مندی از منابع و وسایل برای تضمین امرار معاش همچون امنیت غذایی است مشارکت کند؛ ثانیاً هنگامی که شخص یا گروهی از اشخاص به دلایل خارج از کنترل ایشان قادر به بهره‌مندی از حق خویش بر غذای کافی یا وسایل موجود در اختیارشان نباشد، دولت‌ها ملزم هستند که آن حق را مستقیماً تأمین کنند؛ تعهدی که نسبت به قربانیان بلایای طبیعی یا سایر حوادث اعمال می‌شود (۳۹). تعهد به احترام، حمایت و ایفا در سطح بین‌المللی به مانند سطح داخلی عمل می‌کند. بنابراین می‌توان گفت دولت‌ها تکلیفی اولیه دارند تا از هر اقدامی که مانع تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سایر کشورها می‌شود، اجتناب کنند، به طوری که در تعهد به احترام فراسرزمینی حق بر غذا، دولت‌ها باید از اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به تخطی از این حق برای مردم سایر کشورهای جهان می‌شود، جلوگیری کنند (تعهد سلبی). این تعهد نیازمند تأمین منابع نیست، بلکه باید متعهد شوند که اقدامات زیان‌آور در راستای نقض حق بر غذا علیه دیگر کشورها انجام ندهند و از اتخاذ اقدامات یا تصمیمات در سطح سازمان‌های بین‌المللی که منجر به نقض حق بر غذا در دیگر کشورها می‌شود، جلوگیری نمایند. در این تعهد دولت‌ها همچنین نباید از غذا و آب به عنوان یک ابزار فشار سیاسی و اقتصادی علیه دیگر کشورها استفاده کنند. آن‌ها همچنین باید از

یارانه‌هایی که منجر به نابودی تولید بازار داخلی سایر کشورها می‌شود، جلوگیری کنند. در حمایت فراسرزمینی از حق بر غذا، دولت‌ها متعهد هستند از اقدامات اشخاص ثالث از قبیل شرکت‌های چندملیتی و شهروندان در قلمرو صلاحیتشان که منجر به نقض حق بر غذای مردم دیگر کشورها می‌شود، جلوگیری کنند.

در ضمن این تعهد دولت‌ها مبنی بر عدم مداخله شرکت‌ها در حمایت از حق بر غذا، هیچ گونه خللی به تعهدات اولیه آن شرکت‌ها مبنی بر حمایت از حق بر غذای سایر کشورها وارد نمی‌کند (۴۹). در تعهدات فراسرزمینی ایفای حق غذا، کشورهای در حال توسعه‌ای که منابع لازم برای تحقق غذا ندارند، حق دارند که از کمک‌های بین‌المللی بهره‌مند شوند و دولت‌های ثروتمند جهت کمک‌کردن به آن‌ها مسؤولیت دارند و این تعهدات مستلزم تعهد به تسهیل و فراهم‌کردن حق بر غذا می‌باشد و تعهد به تسهیل‌کردن نیازمند فراهم‌کردن منابع و کمک‌های بین‌المللی غذایی است. در تعهد به فراهم‌کردن یا ایفای فراسرزمینی حق بر غذا دولت‌ها وظیفه دارند مواد غذایی مورد نیاز کشورهای قحطی زده را بر اساس منابع در اختیار در قالب کمک‌های بشردوستانه فراهم کنند.

کمک‌های بشردوستانه فراهم‌شده نباید امنیت غذایی آن کشور را در آینده مختل نموده و مغایر با اهداف توسعه باشد و بیشتر دولت‌ها این تعهد را به عنوان یک مسؤولیت جهت فراهم آوردن کمک‌های اضطراری در راستای تحقق حق بر غذا شناسایی کرده‌اند (۵۰). این تعهدات سه‌وجهی حق غذا بر در حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز به شرح ذیل می‌باشد: در تعهد به احترام به حق بر غذا، به منع استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی اشاره شده است. به علاوه محرومیت عمدی از غذا تحت شرایطی خاص جنایات تحت حقوق کیفری بین‌المللی را تشکیل می‌دهد (ژنوساید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی).

جلوگیری از کمک‌های غذایی، استفاده از مین‌های زمینی که منجر به عدم تولید مواد غذایی و عدم ارسال کمک‌های بشردوستانه می‌شوند و همچنین به کارگیری تحریم‌ها علیه دولت دیگر همگی از مصادیق بارز نقض تعهد به احترام به حق غذا می‌باشند. در مخاصمات مسلحانه تعهد به حمایت مستلزم آن است که دولت‌ها اقدامات مناسبی جهت جلوگیری از گروه‌های مسلح و سایر بازیگران غیر دولتی از غارت مواد غذایی و محروم‌کردن شهروندان از

دسترسی به غذا تدابیری اتخاذ کنند. در صورت عدم اقدام مناسب به عنوان تخطی از تعهد به حمایت محسوب می‌شود.

تعهد به ایفا هم در شرایط اضطراری و هم در شرایط طبیعی به کار می‌رود. به عنوان مثال با در نظر گرفتن تسهیلات عبور محموله‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، حقوق بشردوستانه بین‌المللی به صراحت تعهد دولت‌ها به اجازه عبور آزادانه کمک‌های بشردوستانه و تسهیل کار نهادهای بشردوستانه و توزیع کمک‌های غذایی را بر اساس ماده ۵۹، بند ۳ ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو، بند ۲ ماده ۷۰ پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۸ پروتکل دوم الحاقی به رسمیت شناخته است. تخطی از این مواد در حقیقت نقض حق غذا و تخلف از تعهد به تسهیل حق غذا محسوب می‌شود.

تعهد به ایفا در ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۶۹ پروتکل اول الحاقی به طور مفصل بیان شده است. همچنین تعهدات خاصی جهت فراهم‌نمودن غذا برای گروه‌های خاص به ویژه زندانیان جنگی در مواد ۲۰، ۲۶، ۲۸ و ۴۶ کنوانسیون سوم ژنو و افراد بازداشتی در مواد ۸۷ و ۸۹ کنوانسیون چهارم آمده است. در تعهد به فراهم‌کردن زمانی که دولتی از اجرای تعهدات خود ناتوان است (تهیه غذا) کنوانسیون این اجازه را به آن دولت می‌دهد که از جامعه بین‌المللی درخواست کمک نماید (۱۷).

نقض حق بر غذا و دادخواهی از آن در اسناد بین‌المللی

نقض حق بر غذا از منظر حقوق بشر بین‌الملل به طرق مختلف رخ می‌دهد؛ یک حالت هنگامی است که دولت عضو در تضمین بهره‌مندی از حداقل سطحی که برای رهایی از گرسنگی لازم است، قصور کند. حالت دوم، اعمال تبعیض در دسترسی به غذا و وسایل بهره‌مندی از آن بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، سن، عقیده سیاسی، منشأ نژادی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا دیگر وضعیت‌ها است. در حالت سوم، نقض حق بر غذا از طریق اقدام مستقیم دولت‌ها یا دیگر نهادهای تحت کنترل دولت انجام خواهد شد. از جمله این اقدامات می‌توان تعلیق یا لغو رسمی قوانین لازم برای تحقق مستمر حق بر غذا، جلوگیری از کمک‌های غذایی بشردوستانه در وضعیت‌های اضطراری، تصویب قوانین یا اتخاذ سیاست‌هایی که آشکارا با تعهدات از پیش موجود قانون یک دولت در ارتباط با حق بر غذا مغایر است را، نام برد (۳۹).

نقض حق بر غذا از منظر اصول و قواعد حقوق بشردوستانه نیز شامل نقض منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان، نقض ممنوعیت نابودکردن یا غیر قابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیر نظامی، نقض حق دریافت کمک‌های بشردوستانه، نقض آزادی حرکت نیروهای امدادرسان و... می‌باشد (۱۵). در پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق دادخواهی در صورت نقض تعهدات مندرج در میثاق به رسمیت شناخته شده است (۷). در حقوق بین‌الملل تعهدات مشخص و روشنی جهت تحقیقات مناسب و تعقیب ادعاهای تخلفات جدی از حق بر غذا به وسیله نیروی نظامی در مخاصمات مسلحانه و در شرایط غیر مخاصمه بر عهده دولت‌ها گذاشته شده است. این تعهدات در مواد ۲ و ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون ضد شکنجه بیان شده است.

امروزه تعقیب جنایات جنگی نیروهای مسلح به صورت یک عرف بین‌المللی درآمده است (۵۱). به موجب بند ۱۰ تفسیر کلی شماره ۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مورد ماهیت تعهدات دولت‌های عضو میثاق مربوطه، هر دولت عضو یک تعهد قانونی اولیه برای تضمین حداقل سطح اساسی هر یک از حقوق مندرج در سند دارد. برای مثال دولت عضوی که در سرزمین آن افراد زیادی از مواد غذایی اساسی، بهداشتی، اولیه و... محروم باشند در نظر اول از اجرای تعهدات خود بر اساس میثاق قصور ورزیده است. اگر قرار باشد این سند به گونه‌ای قرائت شود که تعهد قانونی اولیه را تثبیت نکند تا حد زیادی علت وجودی خود را از دست می‌دهد (۵۲).

تعهد به احترام به حق دسترسی به غذا یک تعهد به خودداری از اقدام است که بلافاصله قابل اجرا است و نیاز به هیچ بودجه و سرمایه‌گذاری خاصی ندارد. به این ترتیب دادخواهی از این تعهد هم مورد سؤال نیست، چون در سطح ملی و منطقه‌ای تأیید شده است (۴۷). از آنجایی که تعهد به حمایت از حق دسترسی به غذا یک حق مثبت است، بنابراین دادخواهی از آن از جهت اثبات آسان‌تر از قبل است. به طور طبیعی این تعهد شبیه تعهد به حمایت از حقوق سیاسی و مدنی است که دادخواهی از آن در موارد متعددی به اثبات رسیده است (۱۷). تعهد به ایفای حق دسترسی به مواد غذایی به منابع و بودجه کافی نیاز دارد و اغلب تدریجی است؛ بنابراین دادخواهی از آن به عنوان یک نتیجه بزرگ‌ترین شک و تردید را ایجاد می‌کند و بسیار سخت است که این دادخواهی را نشان داد. با این حال دلایل محکمی وجود دارد که نشان می‌دهد

این حق قابل دادخواهی است. با توجه به حقوق موجود، روش‌های مختلفی برای تحقق آن از طریق نهادهای قضایی، شبه‌قضایی و نهادهای اجرایی مرتبط با این قضیه وجود دارد (۴۷). در سطح بین‌المللی نیز دو ادعای بحث‌برانگیز در مورد تخطی از حق بر غذا در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده است. در قضیه کنگو و رواندا، کنگو ادعا کرد که نیروهای نظامی رواندا در سرزمین اشغالی کنگولوس (Congoles) حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک را با غارت اموال غیر نظامیان و از بین بردن منابع غذایی نقض کرده است، لیکن دیوان اعلام کرد که صلاحیت صدور حکم در این موضوع را ندارد (۱۷).

در قضیه اکوادور علیه کلمبیا، اکوادور، کلمبیا را متهم کرد که با نابودی وسایل زیست و منابع غذایی مردم به وسیله اسپری هوایی علف‌کش حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نقض کرده است. در این مورد دیوان تاکنون حکم خاصی صادر نکرده است. در سطح بین‌المللی دو راهکار حقوقی اولیه جهت جبران خسارت وجود دارد: ۱- شکایات فردی و جمعی در نزد نهادهای نظارتی؛ ۲- شکایات بین دولتی در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری. شورای امنیت، مجمع عمومی و نهادهای تخصصی سازمان ملل نیز می‌توانند از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور رأی مشورتی کنند (۴۷).

امکان رسیدگی به نقض حق بر غذا

حقوق بین‌الملل کیفری از جمله ابزارهای حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد و به نقض‌های جدی و گسترده حقوق اساسی بشر واکنش نشان می‌دهد. حقوق بین‌الملل کیفری شامل مسؤولیت کیفری افراد به دلیل فعل یا ترک فعل‌هایی است که منجر به نقض جدی حقوق بین‌الملل می‌شود و ارتباط نزدیک و متقابلی میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد و حقوق بین‌الملل کیفری با جرم‌انگاری قطعی نقض‌های جدی و گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تعقیب کیفری مرتکبین آن‌ها را مطالبه می‌کند (۵۲). ممانعت از دسترسی به غذا تحت شرایطی خاص در حقوق بین‌الملل کیفری، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و نسل‌کشی را تشکیل داده است (۱۷)، به طوری

که امکان رسیدگی به جنایاتی که منجر به نقض حق بر غذا می شود در هر یک از نهادهای زیر وجود دارد.

۱- دیوان کیفری بین‌المللی

مهم‌ترین نهادی که در حوزه تخصصی تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بزرگ بین‌المللی پیش‌بینی شده است، دیوان کیفری بین‌المللی است که از سال ۲۰۰۲ رسماً فعالیت خود را آغاز کرده است. به طور تخصصی بر روی رسیدگی به جرائم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، فعالیت کرده و به نحو دقیقی جرائم مزبور و نحوه تحقق و اثبات آن را در اساسنامه خود مشهور به اساسنامه رم تعریف کرده است (۵۳).

به طوری که بر اساس ماده ۶ اساسنامه دیوان قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود، از مصادیق نسل‌کشی می‌باشد. در مورد قراردادن اعضای یک گروه در شرایط نامساعد زندگی، کمیسیون مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی معتقد است که قراردادن عمدی یک گروه در وضعیت زندگی نامناسب ممکن است شامل محرومیت عمدی از منابع لاینفک بقا از قبیل غذا و خدمات پزشکی یا اخراج اجباری از خانه یا کاشانه باشد و در ماده ۷ نیز اعمال مختلفی جنایات علیه بشریت را تشکیل می‌دهد که یکی از این اعمال ریشه‌کنی می‌باشد و منظور از ریشه‌کنی شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود (۵۴).

در ماده ۸ آن نیز تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است، از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های بشردوستانه پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو جنایت جنگی را تشکیل می‌دهد (۵۵). در صورت ارتکاب هر یک از جنایات مذکور در ارتباط با حق بر غذا این دیوان می‌تواند بر اساس اساسنامه آیین دادرسی خود، از طریق یکی از موارد زیر جرائم ارتکاب‌یافته را پیگیری نماید: الف - ارجاع وضعیت از سوی دولت عضو به دیوان بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه: «دیوان می‌تواند صلاحیت خود را در مورد جرائم نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی مندرج در ماده ۵ اساسنامه خود اعمال نماید» و ...؛ ب - ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت زمانی که یک یا چند جرم از جرائم مطروحه ارتکاب یافته باشند و موضوع بر اساس فصل هفتم به وسیله

شورای امنیت به دیوان ارجاع شود. در این زمینه دو موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- تشخیص یک موقعیت توسط شورا؛ ۲- ارجاع آن به دیوان (۵۶).

بنابراین شورای امنیت می‌تواند در چارچوب فصل ۷ منشور سازمان ملل و در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یک وضعیت را به دیوان ارجاع دهد، هرچند که جرم توسط دول عضو اساسنامه دیوان و یا در قلمرو دول عضو ارتکاب نیافته باشد؛ ج - انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادستان (مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دیوان) بر اساس ماده ۱۲ اساسنامه، ... کشوری که عضو اساسنامه دیوان نیست می‌تواند با ثبت بیانیته‌ای نزد ثبات دیوان، صلاحیت این مرجع را در مورد موضوع خاصی بپذیرد و... دادستان بر اساس اختیارات ماده ۱۵ در ابتدا تحقیقاتی را در مورد جرائم انجام می‌دهد. این موضوع نیز به خواست دادستان باز می‌گردد، اگر دادستان تمایلی به انجام تحقیقات مقدماتی داشت می‌تواند با وجود اسناد و مدارک به این کار دست زند؛ د - ارائه دادخواست از طریق سازمان‌های غیر دولتی (ماده ۸۶ آیین دادرسی دیوان) (۵۳).

۲- رسیدگی در مراجع ملی کشورها

تعهد به مجازات جنایتکاران جنگی که در حین مخاصمات بین‌المللی مرتکب نقض حقوق بشردوستانه شده‌اند، هر دولت را ملزم به تعقیب این افراد می‌کند. تعقیب و مجازات جنایتکاران جنگی، نه فقط حق، بلکه تکلیف دولت‌های عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است و بدون آنکه تابعیت جانی یا بزه‌دیده یا حتی محل وقوع جنایت جنگی در نظر گرفته شود، دولت‌ها را مکلف به محاکمه جنایتکاران جنگی یا تحویل این افراد به دولت دیگری می‌کند که خواهان محاکمه آنان باشد. این نوع صلاحیت رسیدگی به جنایات جنگی را «صلاحیت جهانی» می‌نامند و هدف از آن، تأمین مصالح و منافع جهانی است و از طریق مجازات کسانی تأمین می‌شود که ارزش‌های جهانی متبلور در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را زیر پا می‌گذارند (۵۷). در واقع جنایات موضوع این صلاحیت، جنایاتی هستند که تنها به منافع یک دولت صدمه نمی‌زنند، بلکه وجدان جهانی را جریحه‌دار می‌کنند (۲۱).

دولت‌ها در مورد نقض‌های عمدی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹ م.) و پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷ م.) و در مورد شکنجه و سایر جرائم به رسمیت شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل، مجاز به اعمال صلاحیت جهانی به منظور جلوگیری از بی‌کیفرماندن مرتکبان این جرائم که «منافع اساسی بشریت» را مورد صدمه قرار داده‌اند، می‌باشند، البته اصل اعمال صلاحیت جهانی

در رویه بین‌الملل عمدتاً منوط به حضور متهم در دادگاه داخلی ذی‌ربط شده است تا از تعارض تصمیمات و تداخل صلاحیت‌ها جلوگیری شود. با این حال کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در این مورد هیچ مانعی برای اعمال صلاحیت دولت‌ها و رسیدگی غیابی ایجاد نکرده‌اند (۵۸).

۳- تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه توسط شورای امنیت

تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه توسط شورای امنیت برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از جمله اقدامات مهم جامعه بین‌المللی در مقابله با نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قلمداد می‌شود (۵۲). تشکیل چنین دادگاه‌هایی بدون تردید عامل مؤثری در تحول حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند.

۴- دیوان دادگستری بین‌المللی

مجمع عمومی سازمان ملل طبق اصول حقوق بین‌الملل صلاحیت تقاضای صدور رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس اصول و قواعد حاکم بر حقوق بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی را دارد. همچنین امکان دادخواهی و جبران خسارات در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس ماده ۹ کنوانسیون ژنوساید وجود داشته و همچنین امکان تقدیم دادخواست به حضور دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس سایر معاهدات با توجه به تعهدات ارگامسن یا تعهدات عام‌المشمول به دلیل نقض بارز تخلفات بین‌المللی از قبیل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و ژنوساید وجود دارد (۵۱).

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی اسناد مختلف سازمان ملل متحد در زمینه رویکرد امنیت غذایی و حق بر غذا جهت حل معضل سوء تغذیه و گرسنگی در جهان مشخص گردید، رویکرد امنیت غذایی در یک مسیر تکاملی از خوداتکایی و خودبستگی به عرضه و تقاضای متناسب با نیازهای غذایی و توزیع عادلانه مواد غذایی که همه افراد دسترسی فیزیکی و توان مالی به غذا برای رفع نیازهای فیزیولوژی داشته باشند و در نهایت دسترسی به غذا، با مؤلفه‌های: ۱- فراهم‌بودن؛ ۲- دسترسی فیزیکی و اقتصادی؛ ۳- ثبات و دسترسی به آن در هر زمانی در بازار؛ ۴- مفید و کارا بودن رسیده است که با اجزا و مؤلفه‌های حق بر غذا شبیه هم می‌باشد، ضمن این‌که بُعد تمرکز

امنیت غذایی از سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی، محلی به سطح خانوار و فرد تغییر جهت داده است در حالی که رویکرد حق بر غذا از ابتدا فرد محور بوده و در موارد خاصی بر حق غذایی گروه‌هایی خاص توجه دارد.

وجه تمایز این دو رویکرد آن است که امنیت غذایی تعهدات حقوقی الزام‌آور برای دولت‌ها جهت تأمین غذا ایجاد نمی‌نماید. بیشتر یک رویکرد در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی غذایی جهت تحقق تدریجی حق بر غذا می‌باشد، در حالی که رویکرد حق بر غذا دارای بار حقوقی و تعهدات الزام‌آور برای کشورها می‌باشد و اجزای آن در معاهدات بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی به خوبی شناسایی شده است.

در حال حاضر رویکرد حق بر غذا به دلیل آنکه تعهداتی بر مبنای کرامت انسانی به کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل می‌نماید و دارای مکانیزم‌های لازم جهت رسیدگی به نقض حق بر غذا و جبران خسارت برای افراد متأثر از این قضیه می‌باشد. همچنین ارتباط مستحکمی با سایر حقوق بشری از قبیل حق بر آب، کار، مسکن، بهداشت، حیات و... دارد، ابزار مناسبی جهت رفع معضل گرسنگی و سوء تغذیه در جهان می‌باشد، لیکن رویکرد امنیت غذایی به دلیل غیر شفاف بودن آن و همچنین به دلیل مشخص نبودن تعهدات کشورهای عضو و نداشتن مکانیزم‌های لازم جهت رسیدگی به نقض آن نمی‌تواند به عنوان یک وسیله مناسب جهت حل معضل سوء تغذیه به کار رود و بیشتر به عنوان یک ابزار تکمیلی جهت تحقق تدریجی حق بر غذا مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود جهت حل معضل سوء تغذیه در جهان، کشورها حق بر غذا را در قانون اساسی خود به رسمیت شناخته و زمینه را برای اجرای آن فراهم نمایند.

References

1. Nagin V, Taymuri M, Sadagi F. Food Insecurity and Vulnerability Information and Mapping System. Tamin Aghtamaei Quarterly 2006; 8(24): 167-188. [Persian]
2. Food Agriculture Organization. The State of Food Insecurity in the World. Available at: <http://www.fao.org/3/a-i4646e.pdf>. Accessed June 1, 2015.
3. Egal F. Sustainable Food Systems for Food Security and Nutrition. Available at: http://cuts-international.org/cart/pdf/Speaking-Note_for_Sustainable_Food_Systems_for_Food_Security_and_Nutrition.pdf. Accessed June 1, 2015.
4. Kent G. Food Is a Human Right. Available at: http://www.choike.org/documentos/Food_Human_Right.pdf. Accessed June 1, 2015.
5. Zakerian M. Key Concepts of International Human Rights, Tehran: Mizan Press; 2009. p. 264. [Persian]
6. Office of United Nation Human Right. The right to Adequate Food. Available at: <http://www.fao.org/righttofood/publications/publications-detail/en/c/49338/>. Accessed June 1, 2015.
7. Muller A. Limitations and Derogations from Economic, Social and Cultural Rights. Human Rights Law Review 2011; 9(4): 557-601.
8. Committee on Economic, Social and Cultural Right (CESCR.). The right to Adequate Food (art. 11). Available at: <http://www.refworld.org/pdfid/4538838c11.pdf>. Accessed June 1, 2015.
9. Commission on Human Right (CHR). The Right to Food Report by the Special Reporter on the Right to Food. 2001. Available at: https://en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Commission_on_Human_Rights. Accessed June 1, 2015.
10. Narula S. The Right to Food, Holding Global Actors Accountable Under International Law. 2006. Available at: <http://chrgj.org/documents/the-right-to-food-holding-global-actors-accountable-under-international-law/>. Accessed June 1, 2015.
11. Shaw D. World Food Security History since 1945. Available at: <http://www.palgrave.com/us/book/9780230553552www.FAO.org>. Accessed June 1, 2015.
12. Food Agriculture Organization. The Right to Food and International Guidelines for Its Implementation. Available at: <http://www.fao.org/eims/>

secretariat/right_to_food/showDocument.asp?doc_id=217969&main=false&name=AH365_En.pdf. Accessed June 1, 2015.

13. International Committee of the Red Cross. Convention (IV) Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War. Available at: <http://cil.nus.edu.sg/1949/1949-geneva-convention-iv-relative-to-the-protection-of-civilian-persons-in-time-of-war>. Accessed June 1, 2015.

14. Defalco R. The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law. *Internet Journal of Rutgers School of Law* 2009; 35: 11-22.

15. Office of International Affairs. [Translation of customary international humanitarian law and the International Committee of the Red Cross]. Henckaerts J, Doswald-Beck L. (Author). Tehran: Mohammed Press; 2008. p. 3305-3321. [Persian]

16. Saeed N. Palestine and Contemporary International Law. Tehran: Majd Press; 2010. p. 91. [Persian]

17. Gotula L, Vidar M. The Right to Adequate Food in Emergencies. Available at: <http://www.fao.org/docrep/016/y4430e/y4430e.pdf>. Accessed June 1, 2015.

18. Pejic J. Right to Food in Situations of Armed Conflict: The Legal Framework. *International Review of the Red Cross*, 2001; 83(844): 1097-1110. Available at: [http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/57JRLG/\\$FILE/1097-1110_Pejic.pdf](http://www.icrc.org/Web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/57JRLG/$FILE/1097-1110_Pejic.pdf). Accessed June 1, 2015.

19. Amin H. [Translation of Human rights and humanitarian law quest for globalization] Warner D. (Author). Tehran: University of Tehran Press; 2003. p. 43. [Persian]

20. Ramezani M. The Role of the International Committee of the Red Cross in the formulation and implementation of Non-International Armed Conflict. Tehran: Khorsandy Press; 2010. p. 56-57. [Persian]

21. Momtaz J, Amir Hossein R. Humanitarian International Law, Internal Armed Conflict. Tehran: Mizan Publication; 2009. p. 25-201. [Persian]

22. Esfandyari C, Mirabasi B. UN's Role in Realization Food Security and Nutrition in International Documents. *Journal of Food Technology and Nutrition* 2013; 9(2): 91-103.

23. Khezri M. Food Security and National Security. Tehran: Ministry of Agriculture Publication. 2009. p. 894. [Persian]
24. Ghasemi H. Definitions and Concept of Food Security. Journal of Agricultural Economics and Development 2004; 2(1): 4-15. [Persian]
25. Moebini Dehkordi A. The Process of Developing and Offering Optimal Food Security Strategy of the Islamic Republic of Iran. The Strategic Defense Studies Quarterly 2004; 6(19): 7-10. [Persian]
26. Mechlem K. Food Security and the Right to Food in the Discourse of the United Nations. European Law Journal 2004; 1(5): 632-653.
27. Tesfag G. Problems and Prospects of the World Food Situation. Journal of Agribusiness 2000; 18(2): 221-236.
28. Saad MB. Food Security for the Food Insecure: New Challenged and Renewed Commitments. Available at: <http://www.earthsummit2002.org/wcaucus/Caucus%20Position%20Papers/food%20security.pdf>. Accessed June 1, 2015.
29. Ranjbar R. Interaction of Food Security and National Security. Available at: <http://amirbaratnia.persianblog.ir/post/1721/>. Accessed June 1, 2015. [Persian]
30. Nori M. Global Food Security. Journal of Agricultural Planning, Economic and Rural Development Research Institute 1994; 1(2): 1-7. [Persian]
31. Food Agriculture Organization (FAO). International Conference on Nutrition. Available at: <http://www.fao.org/docrep/v7700t/v7700t02.htm>. Accessed June 1, 2015.
32. United Nations Development Program. Human Development Report. Available at: http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/255/hdr_1994_en_complete_nostats.pdf. Accessed July 12, 2012.
33. Food Agriculture Organizations. Plan of Action of the World Summit Security. Available at: <http://www.fao.org/docrep/003/w3613e/w3613e00.HTM>. Accessed June 1, 2015.
34. Food Agriculture Organization. Basic Concepts of Food Security: Definition, Dimensions and Integrated Phase Classification. Available at: <http://www.foodandenvironment.com/2013/01/basic-concept-of-food-security.html>. Accessed June 1, 2015.

35. Food Agriculture Organization. Special Programmed Food Security, National Programs. Available at: <http://www.fao.org/spas/national-programmes-spfs/nationalprogrammes-food-sec-npfs/en/>. Accessed June 1, 2015.
36. Golay C. The Food Crisis and Food Security: Towards a New World Food Order. Available at: <https://poldev.revues.org/145>. Accessed June 1, 2015.
37. Food Agriculture Organization. Declaration of the World Food Summit: Five years later. 2002. Available at: <http://www.fao.org/docrep/meeting/005/y7106e/y7106e09.htm>. Accessed June 1, 2015.
38. Allamea A. Food Security and sustainable agricultural development. Available at: http://koaj.ir/Modules/GetFile.aspx?Source=E:%5Cwwwroot%5Ckoaj.ir%5CImageGallery%5CHyperLinkImages%5C266&file=LinkFile_1497.doc. Accessed June 1, 2015. [Persian]
39. Ibrahim Goel A. Right to Food: A Prerequisite for the Realization of Other Rights. *International Law Review* 2008; 25(39): 221-243.
40. Sylvain V. The Interrelation of the Law of Occupation and Economic, Social and Cultural Rights: The Examples of Food, Health and Property. *International Review of the Red Cross* 2008; 871(9): 629-651.
41. Committee on Economic, Social and Cultural Right (CESCR). Non-Discrimination in Economic, Social and Cultural Rights. Available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/gencomm/hrcom20.htm>. Accessed June 1, 2015.
42. Committee on Economic, Social and Cultural Right (CESCR). Relationship between Economic Sanctions and Respect for Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No. 8, 1982. Available at: [ccprcentre.org/.../General%20Comments/HRI.GEN.1.Rev.9 \(Vol.I\) _ \(GC8\)_en .pdf](http://ccprcentre.org/.../General%20Comments/HRI.GEN.1.Rev.9%20(Vol.I)_en.pdf). Accessed June 1, 2015.
43. Mohammad H. [Translation of Perspective to the development of the International Covenant on Economic, Social and Cultural]. Karyon M (Author). Tehran: Mofid University Publication; 2008. p. 35-38. [Persian]
44. Shayagan F. Strengthen International Cooperation in the Field of Human Rights. Tehran: Tehran University Press; 2003. p. 34. [Persian]

45. Gari Sayed Fatemi M. Human Rights in the Contemporary World. Analytical Essays of Rights and Freedoms. Tehran: Publication of the Institute of Legal Studies and Research Sahar Danash; 2009. Vol. 2 p. 32 [Persian]
46. Committee on Economic, Social and Cultural Right (CESCR). The Nature of States Parties' Obligations. Available at: <https://www1.umn.edu/humanrts/gencomm/epcomm3.htm>. Accessed June 1, 2015.
47. Golay CH, Ozden M. The Right to Food. 2004. Available at: http://www.fao.org/eims/secretariat/right_to_food/showDocument.asp?doc_id=215196&main=false&name=AH260.pdf. Accessed June 1, 2015.
48. Ardashir Amir A. [Translation of the Right to an Adequate Standard of Living Including the Right to Food]. Eide A, Katarina K, Essen R. (Author). Tehran: Tehran University Press; 2010. p. 89-105. [Persian]
49. Commission on Human Right. The Right to Food, Report of the Special Rapporteur on the Right to Food. 2006. Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Food/Pages/FoodIndex.aspx>. Accessed June 1, 2015.
50. Commission on Human Right CHR. The Right to Food, Report of the Special Rapporteur on the Right to Food. 2005. Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Food/Pages/Annual.aspx>. Accessed June 1, 2015.
51. Human Right Council (Goldstone report). Human Rights in Palestine and Other Occupied and Territories Report of United Nation Fact-Finding Mission on the Gaze Conflict. 2009. Available at: www2.ohchr.org/english/bodies/hrcouncil/docs/.../A-HRC-12-48.pdf. Accessed June 1, 2015.
52. Hosseini A. War on Human Rights: Human Rights Violations Committed in the 22-day War on Gaza. Journal of International Law 2009; 28(40): 13-45. [Persian]
53. Omrani S. Israeli Crimes in Gaza in the Face of International Criminal Law Trial to Investigate Ways Criminals. Govah legal Quarterly 2008; 14(2): 87-92. [Persian]
54. Public International Law and Policy Group (PILPG). Genocide in Darfur. Available at: <http://publicinternationallawandpolicygroup.org/wp-content/uploads/2011/10/PILPG-Update-PILPG-Members-Interviewed-Concerning->

the-Request-for-an-Arrest-Warrant-for-President-Al-Bashir.pdf. Accessed June 1, 2015.

55. Vidar M. The Right to Food in International Law. Available at: http://www.actuar-acd.org/uploads/5/6/8/7/5687387/fao_the_right_to_food_in_international_law.pdf. Accessed June 1, 2015.

56. Akhavan Fard M. The War in Gaza and the Performance of Institutions of International Law. *Govah legal Quarterly* 2009; 14(2): 102-114. [Persian]

57. Hosseini Akbar Nejad H. The War Against the Law of War: Violations of Human Rights Committed in the 22-day War on Gaza. *Journal of International Law* 2009; 28(40): 99-125. [Persian]

58. Zamani G. The Capacity of International Law to Deal with the Crimes of the Zionist Regime in Gaza, *Book Gaza and International Law*. Tehran: Islamic World Peace Forum Publication; 2010. p. 35. [Persian]